

ارزیابی تحقق حکمرانی خوب شهری بر پایه نظارت همگانی مورد شناسی: محدوده بافت فرسوده کرج

: مجید سنایی^۱، وحید قدیری^۲

۱. مدرس گروه شهرسازی موسسه آموزش عالی کمال الملک

۲. دانشجوی دوره کارشناسی ارشد مدیریت شهری دانشگاه کمال الملک

مقدمه

شهرها به عنوان بزرگترین اجتماع مدنی دنیا، در رویارویی با انبوه مشکلات جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، کالبدی فضایی، مدیریت شهرها را بیش از هر زمان دیگر دشوار و پیچیده کرده است. ظلالش های عمده موجود در مدیریت شهری کشور از دیر باز اعلان به گذر از راهکارهای مدیریتی قدیمی را میداد، روش ها و قانون های یک طرفه ایی که به زعم قبول کردن مسئو لین به پاسخگو نبودنشان در حل مسایل و بحران های شهری، تنها به دلیل شکاف های بزرگ موجود در قوانین برای استفاده و سواستفاده مادی برخی افراد صاحب نفوذ و قدرت کماکان منبع رجعت و اعمال قوانین هستند. در حالی که جهان از بروزترین نوع مدیریت یعنی حکمروایی خوب شهری با نفوذ مستقیم شهروندان، مدیریت شهری را اجرا میکنند، در کشورمان هنوز ابتدایی ترین راه ها برای نقش داشتن مردم در ابداع و اجرای قوانینی برای خودشان نیز وجود ندارد. دست مردم را کوتاه گذاشتن از درگیر شدنشان در مسایل و مشکلات و حتی بهرمندی ها و در واقع همواره دو قطب عوام و خواص سازی و نگه داشتن این وضعیت در کشور نه تنها کمک به حل بحرانی نخواهد کرد بلکه عواقب بزرگی چون عقب ماندگی فاحش از جامعه جهانی و مدیریت شهری مرسوم جزء کوچکترین آثار این مهم بشمار میرود. از این روی در مقاله حاضر سعی می رود با دلایلی محکم و استدلال های منطقی به بررسی چرایی نیاز به برپایی حکمروایی خوب شهری بپردازیم.

طرح مساله

آنچه که امروزه برای همگان مسلم گردیده که توسعه پایدار شهرها در گرو تحقق اهداف مردم سالاری، برابری در خدمات

رسانی و حفظ محیط زیست با شکل گیری مدیریت واحد شهری و با رعایت اصول علوم روز شهرسازی، ترافیک شهری و تقسیم عادلانه منابع درآمد شهری است که باید همراه با هم به دست آید. از سوی دیگر آنچه در ادبیات مرتبط با حکمرانی همواره مورد توجه محققان و دانش پژوهان بوده بررسی مبانی و ارزیابی شاخص های این مفهوم از بعد سازمانی و کارویژه های رسمی و عینی بوده است. از نگاه نویسنده این مقاله مکانیسم نظارت در کشور یکپارچه نیست و نیز این سیستم فاقد ساختار و رویکرد مشارکتی است، سیستمی که با بستر خود ناسازگار است و حتی از الگویی واحد و بومی نیز بی نصیب است. بدین روی هر گونه سیاست گذاری برای بهبود اوضاع بی سرانجام و بدون نتیجه در خور است. در حقیقت به نظر می رسد یکی از دلایل متعدد عقب ماندگی مدیریتی و ضعف سیستمی همچون رانت، موازی کاری، عدم کارایی و نیز ضعف بهره وری و ... نبود مشارکت و نظارت همگانی بر سیستم مدیریتی باشد. نظارتی از سوی جامعه مدنی صورت گیرد با سیستم های نظارت متعدد و ناکارا که امروزه در بدنه سیستم ها مدیریتی کشور می بینیم در منافات است. دستگاه نظارتی متعدد تنها باعث بیمارتر شدن سیستم شده است، از این روی نظارت همگانی در پی ایجاد دولت پاسخگو، مدیریت کارآمد و تقویت روحیه مسولیت پذیری است که به عنوان راس سوم ((مثلث بهینگی)) سیاست گذاری شهری شناخته می شود و تامین کننده دو راس دیگر مثلث یعنی ((رقابت اقتصادی)) و ((همبستگی اجتماعی)) می باشد. در این راس، تمرکز بر تغییر اندیشه و تفکر در خصوص شهرها، شیوه های شکل دهی و مشروعیت بخشی به تصمیمات سیاسی و اصلاحات نهادی که دارای تاثیر شگرف بر بنیان های اقتصادی و اجتماعی شهری می باشد است (ملک محمدی، ۲۹۵: ۱۳۸۹-۲۹۶).